

استخراج و اولویت‌بندی راهبردهای نیل به مرجعیت علمی ج.ا.ایران با روش تحلیل عملکرد - اهمیت (IPA)

میثم لطیفی *

رضا طهماسبی بلوک آباد **

مجتبی جوادی ***

محمدحسن میرزایی هاوشکی ****

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف و چشم‌اندازهای ملی و بین‌المللی علمی کشور، مرجعیت علمی جمهوری اسلامی است. برای نیل به مرجعیت علمی، لازم است بر اساس ویژگی‌های موقعیتی مکانی و زمانی از راهبردهایی که مقام معظم رهبری ارائه می‌کنند، بهره برد. این تحقیق به دنبال اولویت‌بندی این راهبردها برای تسریع در نیل به مرجعیت علمی ایران اسلامی است. روش پژوهش حاضر، ترکیبی (کمی و کیفی) است؛ به گونه‌ای که در گام نخست از روش نظریه داده‌بنیاد برای استخراج راهبردهای نیل به مرجعیت علمی از منظر رهبر معظم انقلاب استفاده شده است. استخراج مضامین از میان بیانات مقام معظم رهبری در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ بوده است. در گام دوم بر اساس روش کمی IPA اقدام به اولویت‌بندی این راهبردها بر اساس نظرات خبرگان عرصه علم کشور شده است. در بخش نخست، بر اساس طی مراحل استخراج مفاهیم از بیانات رهبری، چهارده راهبرد اساسی (مفاهیم اصلی در کدگذاری باز) برای نیل به مرجعیت علمی شناسایی شده است؛ در ادامه بر اساس تحلیل‌های کمی صورت‌گرفته این راهبردها در چهار دسته مجزا بر اساس دو بعد اهمیت و عملکرد تقسیم شدند که هر دسته نشانگر میزان درجه اولویت آن راهبرد مبتنی بر نیازهای کشور است. در نهایت بعد از استخراج مفاهیمی اصلی بر اساس تحلیل‌های کمی صورت‌گرفته معلوم شد راهبردهای «وحدت حوزه و دانشگاه»، «نهضت نرم‌افزاری و تولید علم»، «تحول در آموزش و پرورش» و «تحول در نظام تعلیم و تربیت» باید در اولویت قرار گیرند و راهبردهای «مدیریت نظام‌مند عرصه علمی» و «جذب و حمایت نخبگان» باید با میزان توجه کنونی ادامه یابند و راهبردهای سوم شامل راهبردهای «اسلامی‌سازی علوم» و «تبادل علمی و دیپلماسی علمی» و راهبردهای «تحول در حوزه علمیه»، «تأسیس دانشگاه اسلامی»، «گفتمان‌سازی علمی»، «آزاداندیشی»، «یادگیری از غرب ولی شاگرد نماندن» و «تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری» راهبردهای دارای اولویت چهارم را شامل می‌شوند.

واژگان کلیدی

مرجعیت علمی، علم دینی، راهبردهای مرجعیت علمی، روش تحلیل اهمیت- عملکرد

Email: latifi@isu.ac.ir

* دانشیار مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق^(ع)

** کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و مدیریت صنعتی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق^(ع)

Email: tahmaseby70@gmail.com

*** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری و پژوهشگر مرکز

Email: javadiisu@gmail.com

رشد دانشگاه امام صادق^(ع)

**** دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق^(ع) (نویسنده مسئول)

Email: Mirzai1371@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۶

تاریخ ارسال: ۹۶/۶/۲۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وهفتم / شماره ۸۶ / بهار ۱۳۹۷ / صص ۲۹-۵

جستارگشایی

برای دستیابی به اهداف والای انقلاب اسلامی لازم است تا تمام نیروهای بالقوه در راستای ارتقای هر چه بیشتر نظام جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار گرفته و از آنها برای دستیابی به اهداف بهره برد. یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای این هدف، توجه به مقوله علم و نوآوری است؛ علم و پژوهش کلید پیشرفت کشور است. امروزه تحولات بسیار مهمی در عرصه علم و فناوری در حال وقوع است. واضح است که جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت در زمینه علم و فناوری در ابعاد بسیار گسترده نیازمند برنامه‌ریزی‌های راهبردی است تا بتواند بستر لازم برای تمام حوزه‌های پیشرفت کشور را فراهم آورده و ظرفیت‌های لازم را ایجاد کند (فیاض، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

مشاهده میدانی نگارندگان، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه وضعیت نظام علمی در ایران و همچنین آسیب‌شناسی‌های گسترده در این زمینه (داوری‌اردکانی، ۱۳۸۹؛ دانایی‌فرد، ۱۳۸۸؛ مروتی و مروتی، ۱۳۸۸؛ جوادی، ۱۳۹۵؛ قاضی‌نوری و قاضی‌نوری، ۱۳۸۷)، نشانگر این است که نوعی آشفتگی و سردرگمی در عرصه اقدامات علمی و پژوهشی کشور وجود دارد. از طرف دیگر با بیان برخی موضوعات به‌صورت کلی برای مثال در باره مسائل نظری و معرفتی تولید علم، علم دینی، تحول در علوم انسانی، مرجعیت علمی و غیره، مسائل و مشکلات عرصه علم برای نیل به مرجعیت علمی جهانی حل نخواهد شد (این موارد شرط لازم هستند، ولی کافی نیستند)؛ و این عرصه نیازمند آن است که پاسخ‌های کاربردی و راهبردی به این مسائل و مشکلات داده شده و بر اساس آنها مسیر مرجعیت علمی پیموده شود. مشخص نبودن راهبردهای نیل به مرجعیت علمی و همچنین مهم‌تر از آن، عدم تفهیم اولویت‌های این راهبردها در جامعه، خط‌مشی‌گذاری علمی کشور محرک‌های اصلی نگارش این مقاله بودند؛ اگرچه ممکن است که برخی پژوهش‌ها در این زمینه انجام گرفته باشد، ولی وجه تمایز این مقاله در مآخذ استخراج راهبردها، سطح‌بندی و دسته‌بندی آنها و روش‌شناسی آن است. هم‌راستایی تصاویر ذهنی اعضای جامعه علمی کشور، باعث موفقیت کلیه نهادهای علمی کشور در دستیابی به مقوله مرجعیت علمی است. در صورتی که هم‌پوشانی و هم‌راستایی در این زمینه دچار تشتت باشد، باعث بروز اقدامات مختلف با جهت‌گیری‌های متضاد و جدا از هم خواهد بود که در بین آنها فعالیت‌هایی به وقوع خواهد پیوست که مخرب یا موازی دیگر فعالیت‌ها خواهد بود؛ لذا در این نوشته سعی بر آن شده است تا با در دست داشتن راهبردهای نیل به مرجعیت علمی که در بیانات مقام معظم رهبری بوده است، بتوان راهکارهای عملی و کاربردی را به‌منظور درک فضای موجود و اولویت‌های لازم برای تحقق این هدف معلوم شود.

در تبیین ضرورت و اهمیت توجه به اولویت‌های راهبردی نیل به مرجعیت علمی باید گفت که ضرورت لازم برای ارتقای اهداف علمی، تمامی راهبردهای موجود به‌طور هم‌زمان نمی‌توانند به وقوع بپیوندند و لاجرم نیاز است تا اولویت‌های راهبردی تعیین شود. این تعیین بر اساس مبانی علمی و روش‌های منسجم علمی در این مقاله انجام گرفته است. بدیهی است که نقش نخبگان در تعیین این اولویت‌ها دور از ذهن نیست و تشخیص این اولویت‌ها بر عهده صاحبان اندیشه و تجربه در این عرصه است.

برای نائل‌شدن کشور به مرجعیت علمی موانع و محدودیت‌های زیادی وجود دارد. بسیاری از موانع و مشکلات دستیابی به این هدف، مربوط به ابعاد ملی و داخلی مرجعیت علمی است (پارسانیا، ۱۳۸۹). بدون داشتن تصویر و درک درست از راهبردهای مهم و اولویت‌دار در راستای رسیدن به مرجعیت علمی نزد صاحبان اندیشه و مسئولان مربوط به حوزه علمی کشور، دستیابی به این هدف تقریباً غیرممکن خواهد بود. رسالت مقاله حاضر نیز بر همین اصل استوار است که بتواند با روشن‌ساختن اولویت‌های راهبردی تصویرشده توسط مقام معظم رهبری و با استفاده از نظرات کارشناسانه خبرگان این عرصه، گام مهمی را در شناخت این اولویت‌ها بردارد که بتواند الگویی برای مسئولان عرصه علم در راستای نیل به مرجعیت علمی باشد؛ به‌طوری‌که نهادهای گوناگون علمی کشور، با مراجعه به این نوشته بتوانند رویکردهای خود را به مقوله مرجعیت علمی مورد بازنگری قرار داده و در موارد لزوم به اصلاح آنها بپردازند.

پرسش‌های پژوهش. هر پژوهشی در ابتدا با یک یا چند پرسش همراه است که پژوهشگران در پی پاسخ به آنها، فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند. پرسش‌های تحقیق حاضر عبارتند از:

۱- بر اساس بیانات رهبری، برای نیل به مرجعیت علمی چه راهبردهایی باید مدنظر قرار گیرد؟

۲- از نظر خبرگان حوزه علمی کشور، کدام‌یک از راهبردهای نیل به مرجعیت علمی از اهمیت بالاتری برخوردار است؟

۳- از نظر خبرگان حوزه علمی کشور، کدام‌یک از راهبردهای نیل به مرجعیت علمی بیشترین فاصله را با عملیاتی‌شدن آن راهبرد دارد؟

۴- در ترکیب دو مؤلفه اهمیت و میزان عملکرد راهبردها، کدام‌یک از آنها بر اساس نیازهای امروز کشور در اولویت بالاتری برای مسئولان این عرصه قرار دارند؟

آنچه این مقاله را از مقاله‌های مشابه متمایز می‌سازد، در مآخذ استخراج راهبردها، سطح‌بندی، دسته‌بندی و روش‌شناسی آمیخته آن است، به‌طوری‌که گام ابتدایی خود را مبتنی

بر استخراج راهبردهای نیل به مرجعیت علمی از منظر مقام معظم رهبری نهاده است و در ادامه، مسیر پژوهش را با روشی ساختارمند، به تحلیل و دسته‌بندی راهبردها و همچنین اولویت‌بندی اجرایی آنها در کشور پیش برده است. چون هدف مقاله، استخراج و تعیین اولویت‌های راهبردی نیل به مرجعیت علمی توسط مقام معظم رهبری است، استخراج راهبردها با یک رویکرد کیفی انجام شده است و در ادامه روند پژوهشی، راهبردهای موجود در معرض نظر خبرگان عرصه علم و عمل قرار گرفته و با تحلیل‌ها و نگاشت‌های علمی، به تعیین دسته‌بندی‌ها و تحلیل اولویت‌های عملی این حوزه اهتمام صورت گرفته است.

ادبیات نظری و پیشینه موضوع. با توجه به رسالت این پژوهش که بررسی اولویت‌های راهبردی برای عملکرد در راستای نیل به مرجعیت علمی است، بررسی پیشینه پژوهش حول مرجعیت علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه به بررسی برخی پژوهش‌های انجام‌گرفته و نیز در اثنای آن به بررسی مفاهیم اساسی پرداخته شده است.

۱. مرجعیت علمی

برای شناخت مفهوم مرجعیت علمی علاوه بر بحث لغوی مفهوم مرجعیت علمی در دو بعد داخلی و خارجی، به مفهوم اقتدار علمی نیز خواهیم پرداخت. مرجعیت در تعاریف موجود در فرهنگ واژگان به معنی محل مراجعه دیگران، مرجع بودن و مورد رجوع بودن است. به این معنی که دیگران با مراجعه به او به دنبال حل مسائل، مشکلات و موانع روی کار اهداف خود باشند (قبادی، ۱۳۸۵: ۱۸). مرجعیت علمی اشاره به منشأ اثر بودن در یک جامعه در ابعاد مختلف علمی و عملی بازگشت دارد. مرجعیت علمی در حقیقت به معنای حذف وابستگی از تمدن غربی است. لازمه مرجعیت علمی، ایجاد جنبش نرم‌افزاری و فراهم کردن بستر تولید علم با پیشتازی در مسیر علمی در راستای رهایی کشور از بند وابستگی است و تحقق آن وابسته به حرکت و جهش علمی است؛ به گونه‌ای که تصور وقوع و نیل به یک کمال را داشته باشیم؛ پس مرجعیت علمی را می‌شود به معنای استقلال علمی از سایر تمدن‌ها و تبدیل یک کشور به عنوان یکی از قطب‌های تولید علم جهان و تبدیل شدن زبان فارسی به یکی از زبان‌های علمی دنیا در سال‌های بعد دانست (فیاض، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

واژه علم در عبارت مرجعیت علمی، بر اساس نظر مقام معظم رهبری، علمی است که مبتنی بر تفکر دینی است؛ به طوری که در مقام ثبوت با دیگر علوم تفاوتی ندارد. در مقام اثبات، در فلسفه اسلامی ریشه دارد و نظریه‌پردازی‌ها در این علم در منظومه ارزشی اسلام انجام می‌گیرد. این علم از عالم جدا نیست و تحت تأثیر گرایش‌ها و شخصیت او قرار دارد. از این رو، علم امروزه با نام علم دینی یاد می‌شود. علم دینی به این معنی نیست که مقدمه فهم متون

دینی یا خود فهم متون دینی باشند؛ بلکه به معنی علم جدیدی مبتنی بر تفکر دینی است که جایگزین علمی است که تحت عبارت «ساینس»^۱ مطرح هستند (رودی، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۰). مرجعیت علمی، عبارتی نو و جدید است که به رهبری و برتری در تکاپو برای تولید علم و جنبش نرم‌افزاری اشاره دارد (گودرزی و رودی، ۱۳۹۰: ۷۶). بر همین اساس مرجعیت علمی، بهره‌مندی بهینه از منابع موجود در کشور برای داشتن حرکتی پیوسته و منظم از وضعیت کنونی به جایگاه علمی مورد انتظار، در چارچوب نقشه جامع علمی کشور- توانایی تشریح مقام علمی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت- است (فیاض و افشارکهن، ۱۳۹۰: ۱۴۰). در یک تعریف دیگر مرجعیت علمی به معنای محور علمی شدن و کسب جایگاه والا در حوزه علم و دانش است (پوررضا، ۱۳۹۰).

در بعد داخلی، برخی مرجعیت علمی را ارتقای جایگاه دانشگاه در شاخص‌های ارائه‌شده به‌وسیله سازمان‌های بین‌المللی می‌پندارند، در حالی که این‌گونه نیست؛ زیرا مبتنی بر سخنان رهبری، مرجعیت علمی کلمه‌ای نو است که ایشان معنی خاصی از آن در نظر دارند. برخی معانی نظیر «تأسیس یک بنای مستقل علمی با استفاده از مواد آن در میراث علمی، فرهنگی و دینی»، «استفاده دنیا از نظرات ما»، «با جستجوی مطلبی علمی، آن را در دانشگاه ما بیابند؛ نه اینکه در مقایسه با یک دانشگاه دیگر رتبه بیشتری به دست بیاوریم» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹). همچنین این عبارت مفهومی است که در راستای مفهوم جنبش نرم‌افزاری، تمدن‌سازی و تولید علم بیان شده است (گودرزی و رودی، ۱۳۹۰: ۷۷).

در بعد خارجی نیز، تمامی کشورها به‌ویژه آنهایی که به اقتضای فرهنگ خویش مانند جامعه ایران آرمان‌گرا و متکی بر منابع غنی و قابل اعتمادی همچون وحی هستند، در دنیای معاصر به‌شدت تهدید می‌شوند؛ زیرا هرچه از قرن بیستم به این‌طرف حرکت می‌کنیم، پدیده جهانی‌سازی و آثار و تبعات آن فراگیر و پررنگ‌تر می‌شود. در چند سده اخیر، فرهنگ و تمدن غرب، تلاش روزافزون و پیگیری برای یافتن سازوکارهای پویندگی خویش داشته است و این تلاش، در تولید علم و فناوری و محصولات جدید، تجلی یافته و باعث شده است که کشورهای این حوزه بتوانند به‌عنوان یک جامعه ظاهراً پیشرو در تأمین رفاه، خدمات و امنیت بشر عرض‌اندام کنند. این به رخ کشیدن کارآمدی فرهنگ و تمدن غرب، نسبت به سایر جوامع (به‌ویژه جوامع اسلامی) به هر میزانی که بر دیگران نافذ باشد، باعث نوعی عقب‌نشینی در این

جوامع خواهد شد و آنان به تدریج هویت اسلامی و مستقل خویش را گم می‌کنند و در نهایت، خود را به‌عنوان عضوی از اعضا و اعمار جامعه جهانی قلمداد می‌کنند (رهبر، ۱۳۹۵: ۱۲).

۲. اقتدار علمی

اقتدار با مفاهیم قدرت و نفوذ، پیوندی تنگاتنگ دارد. اقتدار، قدرت مشروع و مقبولی است که می‌باید در شرایط مقتضی مورد اطاعت و فرمان‌برداری قرار گیرد. اقتدار را قدرت مبتنی بر رضایت تلقی کرده‌اند (رهبر، ۱۳۹۴: ۵). اقتدار علمی یکی از گونه‌های مختلف اقتدار است. این نوع اقتدار از جانب یک رهبر سیاسی، گروه یا نظام سیاسی بر پایه دانش، تخصص، عقلانیت و فناوری در سطوح مختلف داخلی و بین‌المللی اعمال می‌شود (ایمانی سطوت، ۱۳۸۷: ۱۲۱). بر اساس این تعریف، منظور از اقتدار علمی آن دسته از ویژگی‌هایی است که به علم، ماهیتی از جنس قدرت و اعتبار می‌دهد (ساجدی، ۱۳۹۳: ۶).

مرجعیت و اقتدار علمی،^۲ لازم و ملزوم همدیگر هستند. هربرت سایمون^۳ در تعریف اقتدار^۴ اشاره می‌کند که: یک فرمان‌بردار وقتی که پذیرای اقتدار است که اجازه می‌دهد رفتار خودش توسط تصمیم یک فرد دیگر، صرف‌نظر از قضاوت او در مورد شایستگی آن تصمیم، هدایت شود (سایمون، ۱۹۴۶: ۵۴). بر این اساس اقتدار علمی نیز یعنی اینکه دانشمندان برای نفوذ در رفتار دیگران قدرت داشته باشند و این قدرت به صورتی است که دیگران از دلایل آن پرسش نمی‌کنند (Vrijer, 2012: 7).

در نگاه ماکس وبر اقتدار یعنی قدرت مشروع و این قدرت مشروع به ساختار قواعدی برمی‌گردد که در آن، فرمان‌های قاعده‌گذاران به این علت پذیرفته می‌شوند که مشروع هستند. این تعریف با تعریف سایمون از اقتدار سازگار است؛ با این تفاوت که در تعریف وبر اشاره شده است تصمیمی که مشروع باشد، تبعیت می‌شود. پس به‌طور کلی می‌توان گفت اقتدار علمی نوعی از قدرت است که به خاطر مشروعیتش پذیرفته می‌شود. بنابراین هر شخص، گروه، نظام یا کشوری که دارای قدرت مشروع و قابل‌پذیرش باشد به مقام مرجعیت علمی نائل می‌شود و از طرف دیگر هم اگر شخص، گروه، نظام یا کشوری مرجعیت علمی داشته باشد، در اعمال اقتدار علمی مؤثرتر عمل خواهد کرد.

اقتدارزایی به‌عنوان مسئولیت بخش تحقیقات و توسعه در هر ساختار سازمانی تعریف شده که عمدتاً بر توسعه فناوری تأکید دارد. نکته حائز اهمیت، فرایند سازمان است که اقتدارزایی را مورد تأکید قرار می‌دهد، موضوع اصلی، انتخاب اهداف صحیح برای رسیدن به برتری دانش

2. Scientific Authority

3. Herbert Simon

4. Authority

است. شناخت این امر که برتری دانش، فرایندهای بسیار زیادی دارد نیز از نکات قابل توجه می‌باشد. سازمان‌ها و مؤسسات خلاق باید برای حل مسائلی که می‌توانند دستاوردهای افزوده‌ای برای سازمان به ارمغان بیاورند، قابلیت ایجاد کنند. برای تحقق چنین امری عناصر متعددی که عبارتند از محیط آموزشی، ابزارهای مربوط به فکر خلاق، فنون و مهارت‌های مهندسی، شیوه‌های علمی، فرهنگ پاسخگو، ساختارهای خاص سازمانی و چارچوب‌های حمایتی مدیریتی درگیرند (خدادادی، ۱۳۸۷: ۹).

۳. راهبرد کشورهای پیشرو در مرجعیت علمی

کشورهای پیشرو در عرصه علم، راهبردهای گوناگونی را برای مرجعیت علمی انتخاب می‌کنند. اغلب این کشورها، با رویکرد نوآوری به سمت این سیاست حرکت کرده‌اند. در ادامه به بررسی برخی رویکردها اشاره می‌شود.

یکی از رویکردهای نوآوری، رویکرد فرایندی خطی است. این رویکرد، در سنت نوآوری شرکت‌های بزرگ و بین‌المللی ریشه دارد (Cooke & other, 2011: 13). در این رویکرد علم بنیادی (واحد تحقیق و توسعه)، از فناوری تغذیه کرده و (واحد مهندسی)، فناوری جدید را به بازار عرضه می‌کند که در نتیجه توسعه اقتصادی حاصل می‌شود (Jensen & other, 2007: 688). رویکرد دیگر، رویکرد نظام‌مند به نوآوری است. در این رویکرد، ارتباطات پیچیده و دوگانه بین انواع تعاملات بین عناصر فرایند نوآوری، مانند بنگاه‌ها و سازمان‌های مؤثر بر رشد اقتصادی و کاربردی سازی نوآوری منظور می‌شود (Lopez-Martinez, 2006: 253; Oyelaran & Rasiah, 2009: 179).

رویکرد دیگر، سبک STI است. در نوآوری به سبک STI به دو نوع از دانش یعنی چرایی^۵ و چیستی^۶ پرداخته می‌شود. مهم‌ترین ریشه دانش چرایی، آزمایشگاه‌های R&D در شرکت‌های بزرگ است. دانش چیستی بیشتر در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهش‌محور به وجود می‌آید (Harold, 1997: 248; Nelson & Rosenberg, 1993: 58).

رویکرد بعدی، رویکرد DUI است که از دانش ضمنی بهره می‌گیرد و در نتیجه یادگیری تعاملی بین مؤلفه‌های سیستم است که عمدتاً بر تجربه مبتنا دارد. این رویکرد باعث ایجاد دانش «چگونگی» می‌شود و به‌شدت به شرایط بستگی دارد. این نوع دانش اغلب در کارآموزی از یک استاد آموخته می‌شود. از طرف دیگر، این رویکرد باعث ایجاد دانش «چه کسی» نیز می‌شود که معمولاً در نهادهایی مانند آموزش‌های تخصصی، کنفرانس‌ها و سایر مؤسسات آموزش داده

5. Know-Why

6. Know-What

می‌شود (15: 2010: Machikita & Ueki). صنایع هایتک، عمدتاً از روش STI بهره می‌گیرند، ولی یادگیری و نوآوری در صنایع LMT اغلب به روش DUI انجام می‌گیرد (Edquist, 2005: 179).

۴. مفهوم مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی

عبارت «مرجعیت علمی» در ذهن هر شخصی، مفهوم معنایی (مفاهیم و روابط آنها) خاصی را فعال می‌کند. این تصویر ذهنی در برخی موارد از منابع تاریخی و از عالم حروف و گاهی هم از دنیای واقعی و گاهی از حرکت ذهنی و تصویرسازی جلوه می‌کند. این ساختار معنایی از هر جا بروز کرده باشد، بی‌شک نحوه تعامل با این پدیده را شکل خواهد داد. این موضوع چالش اساسی در جهت پیمودن مسیر و نیل به مرجعیت علمی خواهد بود؛ پس می‌توان گفت رسیدن به معنا و مفهوم واحد از عبارت مرجعیت علمی نخستین گام در راه رسیدن به این چنین جایگاه بلندی است (فیاض، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

مرجعیت علمی برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق (ع) در عید غدیر، ۲۹ دی‌ماه ۱۳۸۴ مطرح شد که نظرات و تعبیر مختلفی را در پی داشت. بعضی از افراد مرجعیت علمی را عبارتی قلمداد می‌کنند که مصادیق آن در زمان‌های گوناگون تاریخ اتفاق افتاده است. بارزترین تاریخ مرجعیت علمی در این زمان، ظهور تمدن اسلامی است که در زمان‌های بعد، بنا به شرایط اوضاع کشور فراز و نشیب‌هایی داشته است. بعضی دیگر، مرجعیت علمی را سرآمدی رتبه دانشگاه‌های ایران بر اساس معیارهای تعداد فارغ‌التحصیلان، جایزه‌های نوبل هیئت علمی، میزان ارجاعات و مجلات و غیره نسبت به سایر دانشگاه‌های دنیا معنا کرده‌اند؛ ولی مرجعیت علمی، نه سرآمدی بین سایر دانشگاه‌ها، نه استفاده از فارغ‌التحصیلان در مراکز کشور و نه جبران فاصله علمی میان ایران و جهان است، بلکه مرجعیت علمی آن است که «دنیا از نظرات ما استفاده کند»^(۱) و «در جستجوی مطلبی علمی آن را در اینجا بیابد»^(۲) مورد نظر است. مرجعیت علمی، در واقع فراهم کردن یک بنای مستقل علمی با بهره‌مندی از فرهنگ و معارف اسلامی است (رودی، ۱۳۸۹: ۸۶).

مرجعیت علمی، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در پی نجات کشور از وابستگی است؛ یعنی قطع وابستگی علمی به نظام و تمدن غربی و مقدمه ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) است. مفهوم مرجعیت علمی رجوع به معارف اسلامی به سمت تمدن اسلامی است. مرجعیتی که می‌خواهد ما را از وابستگی بگسلد؛ به گونه‌ای که آغازگر حرکت یک علمی باشیم و دیگران نیز پیرو ما باشند (رودی، ۱۳۸۹: ۹۶).

جهان بر طبق آیات قرآن کریم به سمت جهان فاصله پیش می‌رود؛ اگر به موقعیت علمی برسیم. ملت‌ها برای کسب علم و دانش به سمت ما گرایش پیدا خواهند کرد و این سبب

می‌شود که جامعه جهانی خود به سمت جهانی‌شدن پیش برود.^(۳) اسلام به دلیل اتکا به مبدأ هستی می‌تواند مورد اتکای دیگر ملل باشد؛ زیرا علوم پایه و خام بر پایه علوم وحی است و تنها کشورهای اسلامی اصیل صاحب همچنین علمی هستند؛ بنابراین مرجعیت علمی کشور اسلامی تکیه‌گاه علمی، فرهنگی و حتی سیاسی دیگر کشورها خواهد بود.^(۴) نتیجه چنین حرکتی شکسته‌شدن حصار استعمار علمی، سیاسی و اقتصادی مستکبران توسط کشوری است که پرچم حرکت به سوی ایجاد مرجعیت علمی را به دست گرفته و در این صورت زنگ پایان همیشگی طمع‌ورزی استعمار غربی و وابستگی به آنها به صدا درخواهد آمد.^(۵) البته شرط احراز مرجعیت علمی نگاه علمی به مسائل خودمان و تلاش در حل آنهاست. یکی از گرفتاری‌های کشورهای دارای سابقه دیرینه علمی و تمدن غنی این است که کمتر از وجوه ضعف، قوت، ناتوانی، توانایی، جهل و علم خود خبر دارند؛ این ارزیابی‌های درونی می‌تواند روشنگر راه آینده باشد (قوام‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴).

۵. راهبردهای نیل به مرجعیت علمی

توجه به راهبردهای نیل به مرجعیت علمی، باعث تسریع در رسیدن به این جایگاه است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده تاکنون در زمینه تدوین راهبردهای نیل به مرجعیت علمی مطالعه و پژوهشی انجام نگرفته است. بدون داشتن راهبرد در راستای نیل به مرجعیت علمی، نمی‌توان ادعا کرد که تحقق این امر مهم ممکن خواهد بود. این پژوهش بر این سعی است تا بتواند تمامی منویات مقام رهبری را در این زمینه احصا کند؛ چرا که بیانات ایشان بهترین راهبرد در تحقق مرجعیت علمی بوده و می‌تواند در تحقق این امر مهم مورد توجه قرار گیرد. روش پژوهش حاضر، ترکیبی (کمی و کیفی) است؛ به گونه‌ای که در گام نخست از روش نظریه داده‌بنیاد برای استخراج راهبردهای نیل به مرجعیت علمی از منظر مقام معظم رهبری استفاده شده است. استخراج مضامین از میان بیانات ایشان در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۳ بوده است. در گام دوم بر اساس روش کمی IPA اقدام به اولویت‌بندی این راهبردها بر اساس نظرات خبرگان عرصه علم کشور شده است. هر دو روش بالا نیاز به معرفی اجمالی دارد که در ادامه اشاره می‌شود.

۵-۱. نظریه داده‌بنیاد

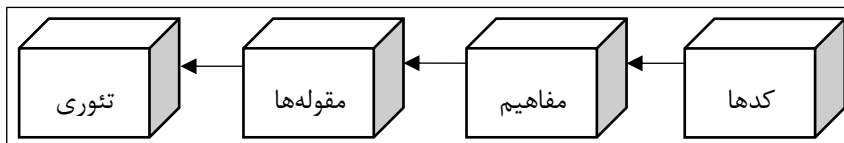
نظریه داده‌بنیاد ابتدا در سال ۱۹۶۷ توسط گلاسر^۷ و استراوس^۸ ابداع شده و در کتاب مشهور آنها با عنوان کشف نظریه داده‌بنیاد^۹ منتشر شود. آنها این روش را یکی از بنیادی‌ترین

7. Glaser

8. Strauss

کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی قلمداد کرده‌اند که می‌تواند به تولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی شود (گلاسر و استراوس، ۱۹۶۷: ۳۲). در جمع‌بندی می‌توان بیان کرد که نظریه داده‌بنیاد عبارت است از کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی که به‌طور منظم در فرایند تحقیق اجتماعی به‌دست آمده‌اند (استراوس، ۱۹۹۴: ۷۹). در روش نظریه‌بنیادی، به‌منظور دستیابی به نظریه و استخراج آن از داده‌های تحقیق، باید مراحل مختلفی طی شود. بر اساس این نظریه مسیر تکامل نظریه در این روش بر اساس شکل (۱) نشان داده شده است.

شکل (۱) - مسیر تکامل تئوری در استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی



(دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۶۰)

مطابق با شکل شماره (۲) برای ترسیم نهایی پارادایم از مقوله‌های زیر استفاده می‌کنیم:

- ۱- مقوله‌محوری^{۱۱} (صورت ذهنی حاصل از پدیده‌ای که اساس فرایند است)، ۲- شرایط علی^{۱۱}
- (مقوله‌های مربوط به شرایطی است که بر مقوله‌محوری اثرگذار است)، ۳- شرایط زمینه‌ای^{۱۲}
- (مقتضیات یا عوامل زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها اثرگذار است)، ۴- شرایط واسطه‌ای^{۱۳}
- (موانع یا شرایط زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها ممانعت ایجاد می‌کنند)، ۴- راهبردها^{۱۴}
- کنش‌ها یا برهم‌کنش‌هایی که از پدیده اصلی منتج می‌شوند) و ۵- پیامدها^{۱۵} (خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها) (Creswell, 2002: 401).

۵-۲. روش تحلیل عملکرد - کیفیت (IPA)

همواره گام اساسی در تدوین برنامه‌های بهبود کیفیت، شناسایی ادراکات و انتظارات دریافت‌کنندگان خدمت یا کالا از کیفیت خدمات یا کالاهایی است که دریافت می‌کنند. مشتریان و مصرف‌کنندگان، همواره در جستجوی عرضه‌کنندگانی هستند که کالا یا خدماتی به‌مراتب بهتر به آنها ارائه نمایند. شواهد و مدارک زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد در دنیای

9. Grounding Grounded Theory
10. Core Category or Phenomenon
11. Causal Conditions
12. Context Conditions
13. Intervening Conditions
14. Strategies
15. Consequences

رقابتی امروز کشف نیازها و خواسته‌های مشتریان و برآورده‌ساختن آنها قبل از رقبا شرط اساسی موفقیت برای شرکت‌هاست. رویکرد سنتی به تحلیل عملکرد-اهمیت به‌وسیله ماتریس دوبعدی ساختاردهی می‌شود. این ماتریس از دو محور تشکیل شده است که محور Xهای آن عملکرد و محور Yهای آن اهمیت را نشان می‌دهند. این ماتریس (همان‌طور که در شکل ۲ آمده است) به چهار ربع تقسیم می‌شود.

شکل (۲) - تحلیل عملکرد-اهمیت ماتریس دوبعدی



ربع اول (اینجا تمرکز کنید). مشخصه‌های ادراک‌شده برای پاسخ‌دهندگان بسیار مهم هستند، اما سطح عملکرد به نسبت پایین است. این ربع ضعف اساسی سازمان را نشان می‌دهد، بنابراین نیازمند توجه فوری برای بهبود است. نکته اساسی این است که ناتوانی برای شناسایی مشخصه‌ها در این ربع، موجب رضایت پایین مشتری می‌شود. در حقیقت تلاش برای بهبود باید در بالاترین اولویت قرار گیرد؛ زیرا ضعف اساسی در این ناحیه است.

ربع دوم (کار خوب را ادامه دهید). مشخصه‌های ادراک‌شده در اینجا برای پاسخ‌دهندگان بسیار مهم هستند؛ درعین‌حال، عملکرد شرکت نیز در این فعالیت‌ها در بالاترین سطح خود قرار دارد؛ بنابراین، در این وضعیت باید کار خوب را حفظ کرد و ادامه داد. این ربع به‌عنوان قوت اصلی سازمان در نظر گرفته می‌شود که باید ادامه یابد.

ربع سوم (اولویت پایین). مشخصه‌های ادراک‌شده در این ربع از نظر اهمیت و عملکرد پایین ارزیابی می‌شوند. اگرچه سطح عملکرد در اینجا پایین است، اما مدیران نباید در این

بخش تمرکز زیادی داشته باشند؛ زیرا مشخصه‌های ادراک شده در این ربع خیلی مهم نیستند. در این ربع منابع محدود باید خرج شوند.

ربع چهارم (اتلاف منابع). این ربع شامل مشخصه‌هایی است که دارای اهمیت پایینی هستند، اما عملکرد آنها به نسبت بالاست. پاسخ‌دهندگان از عملکرد سازمان رضایت دارند، اما مدیران باید توجه داشته باشند که تلاش فعلی بر ویژگی‌های این ربع غیر ضروری و زائد است. به عبارت دیگر، منابع اختصاص یافته به این ویژگی‌ها بیش از مقدار مورد نیاز است و باید جای دیگری مصرف شوند. این مدل به مدل ربعی معروف است.

۳-۵. روش شناسی IPA

گام نخست: ابتدا مشخصه‌های کیفی که در کیفیت خدمات نقش دارند را شناسایی و استخراج کنید. این کار می‌تواند با مطالعه ادبیات موضوع و نظرخواهی از خبرگان و مشتریان صورت گیرد.

گام دوم: درجه اهمیت مشخصه‌های کیفیت خدمات و درجه عملکرد آن مشخصه کیفی را مشخص کنید. b_{jp} و c_{jp} ($j=1,2,\dots,m$ و $p=1,2,\dots,n$) به ترتیب نشان‌دهنده ارزش اهمیت و ارزش عملکرد می‌باشند که برای ویژگی زام و توسط تصمیم‌گیرنده یا مشتری p ام تهیه شده است. این ارزش‌ها می‌توانند با استفاده از طیف لیکرت مشخص شوند. در این صورت روشن است که $b_{jp} \geq 1$ یا $c_{jp} \leq 5$ می‌باشند.

گام سوم: از میانگین هندسی استفاده و نظرات همه تصمیم‌گیرندگان یا مشتریان را یکپارچه کنید. ساعتی پیشنهاد می‌کند که استفاده از میانگین هندسی برای بیان نظر جمعی چندین تصمیم‌گیرنده راه حل مؤثرتری است. بدین ترتیب b_j ارزش نهایی اهمیت و c_j ارزش نهایی عملکرد مشخصه زام کیفیت خدمات نامیده می‌شود که حاصل نظر جمعی p مشتری یا کارشناس است.

$$c_j = \left(\prod_{i=1}^n c_{jp} \right)$$

۴-۵. روایی پژوهش

منظور از روایی این است که یافته‌ها، چه مقدار از واقعیت را بیان می‌کنند. در پژوهش کمی، روایی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: یک تحقیق به چه میزان آنچه را که قصد ارزیابی آن را داشته، به‌طور دقیق سنجیده است. این تعریف در پژوهش‌های کیفی جایگاهی ندارد؛ چرا که در این نوع تحقیقات، هدف ارزیابی نیست (Stenbacka, 2001: 551)، بلکه در آنها هدف درک جهان پیرامون از منظر پژوهشگران است که به وسیله توصیف تفصیلی و دقیق از اقدامات شناختی و نمادین انجام می‌گیرد (Miles, 2002: 37).

در نظریه داده‌بنیاد، بخش مهم از فرایند تحقیق، اعتبارسنجی^{۱۶} است (Creswell, 2002: 412)؛ به طوری که در مرحله کدگذاری باز، داده‌های متنوع به طور متناظر در قبال مفاهیم در حال ظهور آزمون می‌شوند؛ همچنین در مرحله کدگذاری محوری نیز مفاهیم برآمده از داده‌ها در قبال مقوله‌ها قرار گرفته و در این تناظر کثرت‌آمیز، تناسب برقرار می‌شود و سپس قرائنی از داده‌ها در مقام تأیید این تناسب جستجو می‌شود. همچنین برای بررسی دقیق‌تر روایی مرورگران خارجی^{۱۷} مانند خود مشارکت‌کنندگان در پژوهش در اعتبارسنجی استفاده شد. در ادامه نیز، محققان با بازنگری بر کدگذاری‌ها تلاش کردند که اعتبار یافته‌ها را افزون کنند.

۵-۵. پایایی پژوهش

پایایی، بیانگر تشابه نتایج اندازه‌گیری پایداری در دوره‌های مختلف زمانی است. ممیزی تحقیق را می‌توان به منزله روش خوبی برای بهبود پایایی تحقیق پیشنهاد کرد (Mays & pope, 2002: 50). به دلیل مطالعه مستمر بیانات رهبری توسط پژوهشگران و بهره‌مندی از نظر خبرگان و متخصصان در کلیه مراحل و فرایندهای این تحقیق، پایایی مورد انتظار برای یک پژوهش به خوبی تضمین و برآورده شده است.

گروه هدف برای تأیید پایایی، شامل ۲۱ نفر از شخصیت‌های دانشگاهی و اجرایی کشور بودند؛ به گونه‌ای که ۲۰ نفر از آنها مرد و ۱ نفر هم زن بودند. همچنین از این ۲۱ نفر، ۱ نفر دارای مرتبه استاد تمام، ۱ نفر دانشیار، ۸ نفر استادیار دانشگاه و ۱۱ نفر از غیر این موارد بودند. نگاره زیر، گروه هدف برای تعیین پایایی را نشان می‌دهد.

نگاره شماره (۱) - گروه هدف پایایی تحقیق

مرتبه علمی	تعداد	جنسیت	محدوده سنی
استاد تمام	۱	مرد	بالای ۶۰ سال
دانشیار	۱	مرد	۴۰ تا ۴۵ سال
استادیار	۸	مرد	۳۵ تا ۴۲ سال
سایر	۱۱	۱۰ مرد و ۱ زن	۲۵ تا ۴۰ سال

16. Validation

17. Outside Reviewers

۶. تحلیل یافته‌ها

۶-۱. کدگذاری باز

در گام نخست، استخراج راهبردها با استفاده از کدگذاری باز اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها شد. کدگذاری باز بدین صورت انجام می‌گیرد که بیانات رهبری مرتبط با علم و فناوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه‌ای از جدول کدگذاری باز در نگاره (۲) مشاهده می‌شود.

نگاره شماره (۲) - گزیده‌ای از کدگذاری اولیه و مقوله‌بندی بیانات مقام معظم رهبری

پیرامون علم و فناوری

کد	مفاهیم برآمده	مقوله سطح ۱
P800808a1	۱. استفاده از توان علمی و انسانی برای پیشبرد کشور ۲. تربیت افراد متخصص در زمینه‌های مختلف در دانشگاه‌ها	۱. استفاده از توان علمی و انسانی ۲. تربیت متخصص علمی
P800812a2	۱. تولید علم در داخل کشور	تولید علم داخلی
P801012a1	۱. تلاش مسئولان و آحاد مردم برای استفاده از علم و تجربه و امکانات فنی و طبیعی موجود برای پیشبرد کشور	بهره‌گیری همگانی از ظرفیت‌های موجود علمی کشور
P801019a1	۱. تلاش دشمن برای مرعوب کردن نخبگان	تلاش دشمن برای مرعوب کردن نخبگان
P880101b1	۱. عوامل و عناصر اصلی آمادگی بالا: حضور نسل جوان تحصیل کرده در عرصه‌های مختلف زیرساخت‌های کشور	استفاده از ظرفیت‌های نسل جوان تحصیل کرده

همان‌طور که در نگاره (۲) مشاهده می‌شود، برای هر مفهوم استخراج‌شده از بیانات رهبری، دو تحلیل لازم است انجام بگیرد. تحلیل نخست در مورد تجمیع مفاهیم برآمده از متن بیانات رهبری است که چند مفهوم مرتبط به هم در یک مقوله کلان‌تر قرار می‌گیرد. با این کار محورهای اصلی و کلان مفاهیم استخراج می‌شود. تحلیل دوم این است که مقوله‌های نهایی استخراج‌شده که راهبردها را تشکیل خواهند داد، بر اساس روش تجزیه و تحلیل اهمیت-عملکرد مورد تحلیل قرار گرفته و اولویت‌های عملکردی را برای اساس میزان عملیاتی‌شدن هر راهبرد و نیز میزان اهمیت هر یک از راهبردها مشخص شود.

۶-۲. استخراج راهبردهای نیل به مرجعیت علمی

بعد از انجام کدگذاری‌ها، راهبردهای نیل به مرجعیت علمی استخراج شدند. نگاره (۳) نشان‌دهنده راهبردهای استخراج‌شده است که از میان بیانات رهبری استخراج شدند. مفاهیمی که هر راهبرد از آنها استنتاج شده است، در این نگاره نمایش داده شده است.

بر اساس کدگذاری باز که بر روی بیانات رهبری انجام شد، ۱۴ راهبرد نهایی تعیین شد که این ۱۴ راهبرد، در نگاره (۳) قابل مشاهده است.

نگاره شماره (۳) - راهبردهای استخراج‌شده بر اساس بیانات مقام معظم رهبری

<p>تقویت امر پژوهش و بالابردن توان علمی و فناوری کشور، شکوفایی استعداد فکری و علمی دانشگاهیان و جهت‌گیری انقلابی و اسلامی دانشگاه‌ها، سرمایه‌گذاری در بخش علمی، تخصص‌گرایی علمی، پرهیز از محافظه‌کاری علمی، حمایت از دانشجویان نخبه و المپیادی، تأمین امکانات برجستگان علمی، حمایت دولت از نخبگان، اولویت‌بندی کارهای علمی بر اساس نیازها، رفع مشکلات رفاهی و امکانات تحصیلی، اتصال دستگاه علمی کشور به بدنه صنعتی کشور، تهیه نقشه جامع علمی کشور، اجرایی‌سازی نقشه جامع علمی کشور، حمایت از دانشگاهیان به‌عنوان یک سیاست دائمی، پیگیری نقشه جامع علمی کشور، استفاده از ظرفیت نیروی انسانی علمی داخلی، هماهنگ‌سازی دستگاه‌های علمی، اهتمام دولت برای کاندید شدن حرکت علمی کشور، ایجاد رقابت سازنده و قوی در نوآوری علمی، ایجاد رقابت بین اساتید، نخبگان و دانشگاه‌های کشور، وجود دستگاه‌های ناظر بر مراکز علمی، برنامه‌ریزی هدفمند و جهت‌دار برای پیشرفت اقتصادی، ایفای نقش شورای عالی فرهنگی در حل مسائل دانشجویان، احتیاج حرکت علمی کشور به مدیریت، نظارت، اشراف و هدف‌گذاری، لزوم مدیریت حرکت علمی، شتاب‌بخشیدن به حرکت علمی، به‌کارگیری افراد معتقد به انقلاب در مراکز حساس دانشگاه، لزوم اصلاح و ارزیابی آیین‌نامه‌های تحصیلی و آموزشی.</p>	<p>مدیریت نظام‌مند عرصه علمی</p>	
<p>لزوم ارتباط روحانیون با دانشگاه، مکمل‌بودن حوزه و دانشگاه، نفوذ علمی و دینی روحانیون در دانشگاه، ضرورت حضور روحانی فهمیده در دانشگاه.</p>	<p>وحدت حوزه و دانشگاه</p>	<p>راهبرد</p>
<p>تربیت علمی افراد حوزوی بر اساس نیازهای روز دنیا، پالایش و بازتعریف دوره‌های تحصیلی حوزه، تربیت متخصصان حوزوی در سطوح مختلف، توسعه امکانات تحصیلی و تحقیقی دانشجویان، اکتفا کردن به چاپ فعلی کتاب، احیا و چاپ کتب قدیمی، استفاده از روش‌های جدید پژوهشی و آموزشی در حوزه علمیه، به‌روزرسانی حوزه با توجه به نیازهای روز، تحول در حوزه علمیه، تدوین برنامه‌های راهبردی برای حوزه، استفاده حوزه علمیه از روش‌های علمی موجود در دانشگاه، لزوم طرح افکار نو در علوم اسلامی در حوزه، تبلیغ صحیح دین اسلام در مقابل شبهات دشمنان، انتشار مجلات علمی و تخصصی، تقویت فقاقت در حوزه‌های علمیه، پرداختن به تزکیه اخلاقی در حوزه، لزوم آگاهی سیاسی برای طلاب، ضرورت استحکام فکری و اخلاق و علمی طلاب، نیاز حوزه به نظام تعلیم و تعلم.</p>	<p>تحول در حوزه علمیه</p>	
<p>کیفیت بخشیدن به محیط دانشجویی در جهت دین، انس دانشجویان و تشکل‌ها با خدا و معنویت، تأسیس دانشگاه اسلامی، لزوم حضور دین در کنار علم در دانشگاه‌ها، طبابت معنوی و روحی جوانان توسط روحانیون در دانشگاه، تحقق بخشیدن به ارزش‌های معنوی و دینی در محیط دانشگاه، لزوم تغییر شاکله دانشگاه به شاکله اسلامی، بیگانه نبودن دانشگاه با ارزش‌های دینی، دینی کردن محیط دانشگاه، تأسیس مراکز علمی اسلامی در کنار استفاده از دستاوردهای علمی دیگران.</p>	<p>تأسیس دانشگاه اسلامی</p>	

<p>تهیه کتاب درسی و مرجع دانشگاهی در تمامی علوم روز با تکیه بر مسائل دینی، ایجاد تعادل و توازن در رشته‌های گوناگون علمی بر اساس مبانی دینی، طرح معارف اسلامی در دانشگاه به صورت قوی و مستدل، جهت اسلامی و ارزشی دادن به علم، پرداختن به نماز در مطالعات و تحقیقات علمی و کتب درسی پرداختن به نماز در مطالعات و تحقیقات علمی و کتب درسی.</p>	<p>اسلامی سازی علوم</p>	
<p>شناسایی علما و دانشمندان هر منطقه، تجلیل از چهره‌های علمی برجسته، الگو قرار دادن عالمان بزرگ دینی در زمینه‌های مختلف علمی، برنامه‌ریزی رسانه برای ایفای نقش در نهضت تولید علم، بازگو کردن پیشرفت‌های علمی در سطح جامعه، گفتمان شدن نهضت نرم‌افزاری و تولید علم در دانشگاه‌ها، استمرار نهضت تولید علم، تکریم اندیشمندان انقلاب اسلامی.</p>	<p>گفتمان سازی علمی</p>	
<p>تولید محتوای کتاب‌های مورد نیاز جامعه، ایجاد مراکز تحقیقی و خلاقیت علمی، احتیاج کشور به راه‌های میانبر جهت پیشرفت علمی، کشف راه‌های میانبر در تولید علم، تدوین موضوعات پژوهشی توسط دانشگاه‌ها برای پرکردن خلأهای کشور، لزوم رسیدن به مرزهای جدید در علم، تقویت روحیه جهادی برای کسب علم و تحقیق.</p>	<p>نهضت نرم‌افزاری و تولید علم</p>	
<p>نواندیشی علمی در دانشگاه‌ها، تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی، بالا بردن قدرت تحمل، شنیدن نظرات مخالف و نقد علمی و تخصصی آنها، رعایت نزاکت و ادب در طرح و نقد نظریات علمی مختلف و گوناگون، لزوم حمایت از خلاقیت و نوآوری.</p>	<p>آزاداندیشی</p>	
<p>استفاده از علوم و فناوری‌های دیگر کشورها، بهره‌گیری از نظریات علمی دانشمندان، بهره‌گیری از نکات مثبت نظریات علمی، استفاده صحیح از دستاوردهای فناورانه غرب، ترجمه خوب و فاخر کتاب‌ها، استفاده از تجربه‌های علمی دنیا با تحلیل، گزینش در استفاده از محصول فکر و عقل و تجربه بیگانگان، استفاده از روش‌های خارجی در کنار روش‌های سنتی، استفاده از فرآورده‌های خوب تمدن غرب.</p>	<p>یادگیری از غرب و شاگرد نماندن</p>	
<p>نیاز به کار عمیق و بنیادین علمی در آموزش و پرورش، ارتقای محتوای کتب درسی، اهمیت دادن به نقش و منزلت معلم، یاد دادن تفکر اسلامی به دانش‌آموزان، تولید کتاب مناسب در عرصه‌های فکری، تأمین امنیت اخلاقی و فکری محیط تحصیلی، حمایت مادی و معنوی از معلمان، سرعت مضاعف در زمینه تعلیم و تربیت، تقویت بنیه دینی و سیاسی دانش‌آموزان، ضرورت مبارزه مدرسه و دستگاه‌های فرهنگی با کفر و ظلم و استکبار</p>	<p>تحول در آموزش و پرورش</p>	
<p>ضرورت پرورش نیروی انسانی، آموزش و بازآموزی نیروی انسانی در سطوح گوناگون، پرورش و شکوفایی استعدادها، تشویق خلاقیت و نوآوری علمی، تربیت متخصص علمی، تعلیم و تعلم با نیت عبادت، تربیت دینی و تقویت روحیه انقلابی دانشجویان، نیاز حوزه به نظام تعلیم و تعلم، تقویت روحیه انقلابی در دانشگاه، تربیت نیروی حزب‌اللهی در دانشگاه، تربیت دانشجویان متدین، تربیت نیروی علمی معتمد در دانشگاه.</p>	<p>تحول در نظام تعلیم و تربیت</p>	
<p>استفاده از نخبگان علمی در قوه قضائیه، تربیت نیروی انسانی نخبه و عالم، شناسایی نخبگان علمی هر منطقه، شناسایی و معرفی نخبگان، ارتباط با نخبگان دانشگاه‌ها، برنامه‌ریزی برای تربیت نخبگان، شناسایی، جذب و هدایت صحیح استعدادها، لزوم حل مسائل نخبگان توسط دستگاه‌های مسئول، لزوم شناسایی و پرورش و هدایت استعدادها، حمایت از نخبگان.</p>	<p>جذب و حمایت نخبگان (نخبه‌پروری)</p>	

توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان، پیوند علم و صنعت، دانشگاه و صنعت، ضرورت افزایش تعداد پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها و مراکز علمی، دانش‌بنیان کردن اقتصاد، استفاده از دانشمندان، متخصصان و شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان زیرساخت‌های اقتصادی کشور، تلاش برای بومی‌سازی فناوری در شرکت‌ها، ارتباط دانشگاه با صنعت.	تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری
تبادل علمی با دیگر کشورها، برنامه‌ریزی علمی بر اساس واقعیت‌ها و نیازها، جلوگیری از فرار مغزها.	تبادل علمی و دیپلماسی علمی

نگاره بالا نشان می‌دهد که هر یک از مقوله‌های نهایی مربوط به راهبردها دارای چه زیرمقوله‌هایی بوده است؛ به عبارت دیگر برای فهم درست راهبردهای استخراج شده لازم است به نگاره بالا مراجعه کرد. به‌طور مثال، راهبرد تبادل علمی و دیپلماسی علمی شامل سه مقوله است که در واقع توصیف‌کننده این راهبرد است؛ این سه مقوله عبارتند از: «تبادل علمی با سایر کشورها»، «برنامه‌ریزی علمی بر اساس واقعیت‌ها و نیازها» و «جلوگیری از فرار مغزها».

۳-۶. تحلیل اهمیت- عملکرد راهبردها

گام دوم پژوهش حاضر، تحلیل اهمیت- عملکرد در مورد راهبردهای استخراج شده است. هدف از اجرای این مرحله، شناسایی اولویت اجرای هر یک از راهبردها و علاوه‌بر این، ارائه میزان توجه به هر راهبرد بر اساس دو معیار «عملکرد گذشته» و «اهمیت» راهبرد است. رسیدن به این نتایج باید بر اساس نخبگان نظری و تجربی حوزه علم کشور انجام گیرد. برای این کار، تمام راهبردها در قالب پرسشنامه استاندارد اهمیت- عملکرد تدوین شده و بر اساس نظرات خبرگان تکمیل شد. بر اساس پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط صاحب‌نظران، نگاره مربوط به اهمیت و عملکرد میانگین هر یک از راهبردها در دو بعد اهمیت و عملکرد در نگاره زیر ذکر شده است:

نگاره شماره (۴) - میانگین عملکرد و اهمیت هر یک از راهبردهای نیل به مرجعیت علمی

ردیف	حوزه‌های مربوط به راهبردهای نیل به مرجعیت علمی	میزان عملکرد	میزان اهمیت	فاصله	(اهمیت- عملکرد)* اهمیت
۱	مدیریت نظام‌مند عرصه علمی	۳,۵	۸,۵۵	۵,۰۵	۴۳,۱۷۷۵
۲	وحدت حوزه و دانشگاه	۳,۱۵	۸,۴۵	۵,۳	۴۴,۷۸۵
۳	تحول در حوزه علمیه	۳,۴۵	۷,۹	۴,۴۵	۳۵,۱۵۵
۴	تأسیس دانشگاه اسلامی	۳,۷	۷,۷	۴	۳۰,۸
۵	اسلامی‌سازی علوم	۳,۲۵	۸,۱	۴,۸۵	۳۹,۲۸۵
۶	گفتمان‌سازی علمی	۳,۷۵	۸,۲۵	۴,۵	۳۷,۱۲۵
۷	نهضت نرم‌افزاری و تولید علم	۳,۳۵	۸,۷۵	۵,۴	۴۷,۲۵
۸	آزاداندیشی (نهضت آزادی فکر)	۳,۴	۸,۲۵	۴,۸۵	۴۰,۱۲۵
۹	یادگیری از غرب، ولی شاگرد نماندن	۳,۹۵	۸,۳۵	۴,۴	۳۶,۷۴

۶۳,۵۰۷۵	۶,۶۵	۹,۵۵	۲,۹	تحول در آموزش و پرورش	۱۰
۶۸,۱۱	۶,۹۵	۹,۸	۲,۸۵	تحول در نظام تعلیم و تربیت	۱۱
۴۲,۰۷۵	۴,۹۵	۸,۵	۳,۵۵	جذب و حمایت نخبگان (نخبه پروری)	۱۲
۳۶,۲۲۵	۴,۵	۸,۰۵	۳,۵۵	تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری	۱۳
۳۹,۸۹۵	۵,۰۵	۷,۹	۲,۸۵	تبادل علمی و دیپلماسی علمی	۱۴

در نگاره بالا، علاوه بر میانگین اهمیت و عملکرد راهبردها، فاصله اهمیت هر یک از راهبردها با میزان عملکرد آن نیز مشخص شده است. همان‌طور که قابل مشاهده است بیشترین فاصله عملکرد از اهمیت شامل راهبرد «تحول در نظام تعلیم و تربیت» است. با این حال، نمی‌توان نتیجه گرفت که این راهبرد باید در اولویت عملکردی مسئولان قرار دارد، زیرا ممکن است برخی راهبردهای دیگر به لحاظ نمره اهمیت در درجه بالاتری قرار گرفته باشند. برای تحلیل دقیق‌تر این فاصله‌ها لازم است یک محاسبه دیگر انجام گیرد و آن عبارت از ضرب اهمیت هر یک از راهبردها در فاصله اهمیت-عملکرد آنها است. ستون سمت چپ نگاره بالا نشان‌دهنده این مقدار است.

به هر میزان که عدد مربوط به محاسبات ستون چپ بیشتر باشد، اولویت آن راهبرد بیشتر است. به عبارت دیگر، برای اینکه بتوان نتیجه گرفت کدام یک از راهبردها باید امروز مورد توجه قرار گیرد، به عدد هر یک از راهبردها باید مراجعه کرد؛ هر راهبردی در این معیار، دارای بیشترین مقدار بود، در اولویت اهمیت و اجرایی کشور قرار می‌گیرد.

در میان راهبردهای موجود عدد مربوط به ستون سمت چپ در مورد راهبرد «تحول در نظام تعلیم و تربیت» از مقدار بالاتری (بیش از ۶۸) برخوردار است که این رقم بالاتر از رقم مربوط به سایر راهبردها است؛ لذا می‌توان به‌طور دقیق اظهار داشت که اولویت عملکردی کشور در حوزه تحول نظام تعلیم و تربیت است. باید توجه داشت که این تحلیل نشان‌دهنده این نیست که راهبرد «تحول در نظام تعلیم و تربیت» لزوماً مهم‌ترین راهبرد کشور است، بلکه نشان‌دهنده این است که از دیدگاه دو بعد «عملکرد گذشته» و «ضریب اهمیت» در درجه بالاتری از دیگر راهبردها قرار گرفته است.

۴-۶. اولویت‌بندی راهبردهای نیل به مرجعیت علمی

با توجه به اینکه لازم است جایگاه راهبردها در دو بعد اهمیت و عملکرد معلوم شود، لازم است تا راهبردها را در یک ماتریس ۴ ناحیه‌ای دسته‌بندی کرد. برای این کار مبنا، دو بعد اهمیت و عملکرد است؛ به طوری که با رسم نمودار دوعبده می‌توان صفحه‌ای را ساخت. در این صفحه

می‌توان با تقسیم هر بعد با مقادیر کم‌وزیاد، صفحه را به چهار ناحیه مجزا تقسیم کرد. در نگاره زیر راهبردهای اختصاص‌یافته به هر ناحیه مشخص شده است.

نگاره شماره (۵) - اولویت‌بندی راهبردهای نیل به مرجعیت علمی

ردیف	حوزه‌های مربوط به راهبردهای نیل به مرجعیت علمی	(اهمیت - عملکرد) * اهمیت	ناحیه نمودار	اولویت‌بندی
۱	مدیریت نظام‌مند عرصه علمی	۴۳,۱۷۷۵	۲	۵
۲	وحدت حوزه و دانشگاه	۴۴,۷۸۵	۱	۴
۳	تحول در حوزه علمیه	۳۵,۱۵۵	۴	۱۳
۴	تأسیس دانشگاه اسلامی	۳۰,۸	۴	۱۴
۵	اسلامی‌سازی علوم	۳۹,۲۸۵	۳	۹
۶	گفتمان‌سازی علمی	۳۷,۱۲۵	۴	۱۰
۷	نهضت نرم‌افزاری و تولید علم	۴۷,۲۵	۱	۳
۸	آزاداندیشی (نهضت آزادی فکر)	۴۰,۰۱۲۵	۴	۷
۹	یادگیری از غرب ولی شاگرد نماندن	۳۶,۷۴	۴	۱۱
۱۰	تحول در آموزش و پرورش	۶۳,۵۰۷۵	۱	۲
۱۱	تحول در نظام تعلیم و تربیت	۶۸,۱۱	۱	۱
۱۲	جذب و حمایت نخبگان (نخبه پروری)	۴۲,۰۷۵	۲	۶
۱۳	تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری	۳۶,۲۲۵	۴	۱۲
۱۴	تبادل علمی و دیپلماسی علمی	۳۹,۸۹۵	۳	۸

نتیجه نگاره بالا دو شاخص مهم را نشان می‌دهد؛ شاخص نخست مربوط به اولویت اجرایی‌کردن هر یک از راهبردها را نشان می‌دهد؛ به‌طور مثال راهبرد «تحول در آموزش و پرورش» دارای رتبه ۲ و راهبرد «وحدت حوزه و دانشگاه» دارای رتبه ۳ است.

۵-۶. ارزش آستانه (میانگین حسابی هر کدام از داده‌های بعد اهمیت و بعد عملکرد)

کاربرد ارزش آستانه در پژوهش حاضر، ناحیه‌بندی نواحی چهارگانه بر اساس تحلیل IPA است که مبتنی بر دو بعد اهمیت و عملکرد است. در واقع مرز بین نواحی چهارگانه در نمودار IPA عبارت از ارزش آستانه‌ای است. برای ترسیم نمودار مربوط به تحلیل اهمیت-عملکرد لازم است میانگین اهمیت هر یک از راهبردها و همچنین میانگین عملکرد آنها بر اساس ارزش‌های آستانه‌ای معلوم شود.

برای ترسیم نمودار اهمیت-عملکرد لازم است تا ارزش آستانه‌ای هر دو بعد اهمیت و عملکرد (میانگین آنها) معلوم شود. بر اساس محاسبات انجام‌گرفته ارزش آستانه عملکرد راهبردها ۳,۳۷ و ارزش آستانه اهمیت راهبردها ۸,۴۳ است.

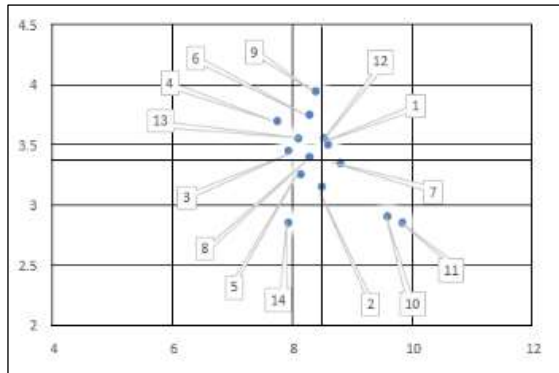
نگاره شماره (۶) - ارزش آستانه اهمیت و عملکرد پژوهش

ارزش آستانه اهمیت (میانگین اهمیت راهبردها)	ارزش آستانه عملکرد (میانگین عملکرد راهبردها)
۸,۴۳۵۷۱۴۲۸۶	۳,۳۷۱۴۲۸۵۷۱

۶-۶. تحلیل ابعاد اهمیت- عملکردی راهبردها

بعد از دست یافتن به ارزش آستانه‌ای، می‌توان به راحتی نمودار اهمیت- عملکرد راهبردها را ترسیم نموده و نواحی چهارگانه را بر اساس ارزش‌های آستانه‌ای ترسیم کرده و نواحی چهارگانه را در ماتریس اهمیت- عملکرد تعیین نمود. بر اساس داده‌های نگاره (۳) جایگاه هر یک از راهبردها در هر ناحیه در شکل زیر مشخص می‌شود.

شکل (۳) - تحلیل نواحی چهارگانه برای راهبردهای نیل به مرجعیت علمی



بر اساس تحلیل نمودار اهمیت- عملکرد، راهبردهای مطرح شده به لحاظ اولویت جمهوری اسلامی در چهار دسته به صورت زیر جای می‌گیرند. اولویت نخست مربوط به راهبردهایی است که اهمیت آنها در بین خبرگان بیش از دیگر راهبردها بوده، ولی وضعیت عملکردی در حد پایین است که شامل راهبردهای «وحدت حوزه و دانشگاه»، «نهضت نرم‌افزاری و تولید علم»، «تحول در آموزش و پرورش» و «تحول در نظام تعلیم و تربیت» است. این راهبردها نشان می‌دهد که رویکرد مدیران در مورد نیل به مرجعیت علمی باید در ابتدا متوجه این راهبردها باشد.

اولویت دوم شامل راهبردهایی است که دارای اهمیت و عملکرد بالایی نسبت به سایر راهبردها هستند. این راهبردها شامل راهبردهای «مدیریت نظام‌مند عرصه علمی» و «جذب و حمایت نخبگان» است. رویکرد مدیران به این راهبردها ادامه روند فعلی خواهد بود؛ چراکه فعالیت‌های انجام شده مربوط به این راهبردها امروز دارای عملکرد خوبی است.

اولویت سوم شامل راهبردهایی است که دارای اهمیت و عملکرد پایینی نسبت به دیگر راهبردها هستند. این راهبردها شامل راهبردهای «اسلامی‌سازی علوم» و «تبادل علمی و دیپلماسی علمی» است.

اولویت چهارم، شامل راهبردهایی است که دارای اهمیت پایین و عملکرد مطلوب است. این راهبردها شامل راهبردهای «تحول در حوزه علمیه»، «تأسیس دانشگاه اسلامی»، «گفتمان‌سازی علمی»، «آزاداندیشی»، «یادگیری از غرب، ولی شاگرد نماندن» و «تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری» است. مدیران باید توجه داشته باشند که در عملکرد خوب در این راهبردها به‌منزله وضعیت مطلوب نیست، چراکه اگر پرداختن به این راهبردها باعث شده است تا اجرایی‌شدن راهبردهای با اهمیت بالا به تأخیر بیفتد یا مانع از اجرایی‌شدن آنها شود، لازم است تا از پرداختن به این راهبردها تا این حد خودداری کنند و توجه و بودجه‌های لازم را صرف راهبردهای با اولویت بالا کنند.

ناحیه ۱: این ناحیه شامل راهبردهای «وحدت حوزه و دانشگاه»، «نهضت نرم‌افزاری و تولید علم»، «تحول در آموزش و پرورش» و «تحول در نظام تعلیم و تربیت» است.

ناحیه ۲: این ناحیه شامل راهبردهای «مدیریت نظام‌مند عرصه علمی» و «جذب و حمایت نخبگان» است.

ناحیه ۳: این ناحیه شامل راهبردهای «اسلامی‌سازی علوم» و «تبادل علمی و دیپلماسی علمی» است.

ناحیه ۴: این ناحیه شامل راهبردهای «تحول در حوزه علمیه»، «تأسیس دانشگاه اسلامی»، «گفتمان‌سازی علمی»، «آزاداندیشی»، «یادگیری از غرب ولی شاگرد نماندن» و «تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری» است.

فرجام

در این بخش به پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده در ابتدای مقاله پرداخته می‌شود که به‌صورت زیر است:

پاسخ پرسش (۱) - در پاسخ به این پرسش که «آیا در کشور ایران راهبردهایی برای نیل به مرجعیت علمی در نظر گرفته شده است»، باید گفت در برخی زمینه‌های مربوط به علم و فناوری راهبردهای مختلفی ارائه شده است که می‌توان در آثار متعدد علمی مشاهده کرد؛ اما همین مسئله در مورد مرجعیت علمی، دارای یک خلأ بزرگی است که باید پر شود؛ زیرا بدون داشتن راهبرد انتظار تحقق مرجعیت علمی برای کشور دور از عقلانیت است.

پاسخ پرسش (۲)- در پاسخ به این پرسش که «چه پژوهش‌هایی در راستای ارائه راهبرد برای نیل به مرجعیت علمی فعالیت کرده‌اند»، باید گفت تاکنون در مورد مرجعیت علمی پژوهش‌هایی انجام گرفته است که نمونه آنها در قسمت ادبیات نظری پژوهش ذکر شد؛ اما مسئله که مورد توجه است، فقدان ارائه یک راهبرد و روش عمل برای تحقق مرجعیت علمی در آینده، پژوهشی انجام نگرفته است.

پاسخ پرسش (۳)- در پاسخ به این پرسش که «بر اساس بیانات رهبری، برای نیل به مرجعیت علمی چه دستورالعمل و راهبردهایی باید مدنظر قرار گیرد» که در واقع حدود نصف پژوهش حاضر به این پرسش پرداخته است، بررسی‌ها و مطالعات عمیقی انجام گرفت که بر اساس آن، با استفاده از تحلیل بیانات رهبری، راهبردهای چهارده‌گانه تدوین شدند. این راهبردها عبارتند از: ۱- مدیریت نظام‌مند عرصه علمی، ۲- وحدت حوزه و دانشگاه، ۳- تحول در حوزه علمیه، ۴- تأسیس دانشگاه اسلامی، ۵- اسلامی‌سازی علوم، ۶- گفت‌وگو سازی علمی، ۷- نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، ۸- آزاداندیشی (نهضت آزادی فکر)، ۹- یادگیری از غرب ولی شاگرد نماندن، ۱۰- تحول در آموزش و پرورش، ۱۱- تحول در نظام تعلیم و تربیت، ۱۲- جذب و حمایت نخبگان (نخبه‌پروری)، ۱۳- تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی علم و فناوری، ۱۴- تبادل علمی و دیپلماسی علمی.

پاسخ پرسش (۴)- در پاسخ به این پرسش که «از نظر خبرگان حوزه علمی کشور، کدام یک از راهبردهای نیل به مرجعیت علمی از اهمیت بالاتری برخوردار است» که در واقع قسمت دوم پژوهش به این بحث پرداخته است. اهمیت راهبردها، بر اساس شماره‌های پاسخ سه به این ترتیب شناسایی شدند: ۱۱، ۱۰، ۷، ۱، ۱۲، ۲، ۹، ۶، ۸، ۵، ۱۳، ۳، ۱۴، ۴. این ترتیب از دید صاحب‌نظران و نخبگان عرصه علمی و مدیران علمی کشور استنتاج شده است که در بین آنها اولویت نخست مربوط به راهبرد «مدیریت نظام‌مند عرصه علمی» است.

پاسخ پرسش (۵)- در پاسخ به این پرسش که «از نظر خبرگان حوزه علمی کشور، کدام یک از راهبردهای نیل به مرجعیت علمی بیشترین فاصله را با عملیاتی شدن آن راهبرد دارد»، باید گفت بر اساس بررسی‌های انجام گرفته تحلیل اهمیت- عملکرد، راهبردهایی که بیشترین فاصله را با عملکرد داشته‌اند، به ترتیب عبارتند از: ۱۴، ۱۱، ۱۰، ۲، ۵، ۷، ۸، ۳، ۱، ۱۳، ۱۲، ۴، ۶، ۹. در واقع این بدان معنی است که برای مثال راهبرد شماره ۱۴ (تبادل علمی و دیپلماسی علمی) نسبت به دیگر راهبردها در عرصه عمل پیاده نشده و مغفول مانده است. با این حال، نمی‌توان گفت راهبرد «تبادل علمی و دیپلماسی علمی» در اولویت اجرایی کشور است؛ زیرا با اینکه دورترین فاصله را با عملیاتی شدن دارد، اما ممکن است این راهبرد به لحاظ اهمیت در سطح

پایین‌تر از دیگر راهبردها قرار گرفته باشد؛ لذا برای پی‌بردن به اولویت اجرایی کشور در عرصه مرجعیت علمی، پاسخ به پرسش بعدی ضروری است.

پاسخ پرسش (۶) - این پرسش که عبارت است از: «در ترکیب دو مؤلفه اهمیت و میزان عملکرد راهبردها، کدام‌یک از آنها بر اساس نیازهای امروز کشور در اولویت بالاتری برای مسئولان این عرصه قرار دارند»، اصلی‌ترین پرسش پژوهش بوده و هدف این پژوهش تلقی می‌شود؛ یعنی در پژوهش حاضر پژوهشگران به دنبال این بودند که بعد از استخراج راهبردهای مرجعیت علمی از بیانات رهبری، تعیین اهمیت هر یک از راهبردها و میزان عملیاتی‌شدن هر راهبرد، دستور کاری را برای مسئولان عرصه علم کشور فراهم آوردند. بر همین اساس با تحلیل‌های صورت‌گرفته راهبردهای ۱۱، ۱۰، ۷، ۲، ۱، ۱۲، ۸، ۱۴، ۵، ۶، ۹، ۱۳، ۳ و ۴، به ترتیب اولویت امروز کشور برای نیل به مرجعیت علمی از دیدگاه خبرگان محسوب می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) بیانات رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹
- (۲) بیانات رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹
- (۳) باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه قوی هستند، دست شما را می‌پیچانند. جوان‌هایتان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ماقبل از انقلاب در ردیف‌های آخر علمی دنیا قرار داشتیم که هیچ‌نگاهی به‌طرف ما جلب نمی‌شد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی می‌کنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه شانزدهم دنیاست». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).

- (۴) العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه» (شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰: ۳۱۹).
- (۵) آصف بن برخیا، می‌توانست؛ بدون علم، تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان علیه‌السلام حاضر کند. «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلُ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ؛ کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را [تخت بلقیس را] پیش از آنکه پلک دیده‌ات به هم بخورد، نزد تو می‌آورم. او آن را در همان لحظه آورد» (نمل، ۴۰) عامل غلبه همه انبیا بر مستکبران، علم و دانش الهی آنان بود.

منابع فارسی

- پارسانیا، حمید (۱۳۸۹)، «عقلانیت اسلامی، مقدمه الگوی بومی پیشرفت است»، مصاحبه با *روزنامه جام‌جم*، دوشنبه ۶ دی‌ماه.
- پوررضا، رسول (۱۳۹۰)، «رسالت آموزش در کسب مرجعیت علمی، از منظر نقشه جامع علمی کشور»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴*، تهران: پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت.
- جوادی، مجتبی (۱۳۹۵)، *شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد؛ دانشگاه امام صادق^(ع).

خدادادی، علیمردان (دی و بهمن ۱۳۸۷)، اقتدار علمی چیست؟، *نگرش راهبردی*، سال نهم، شماره ۹۷ و ۹۸: ۲۷۴-۲۶۵.

دانایی فرد، حسن (۱۳۸۸) «تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران»، *سیاست علم و فناوری*، سال دوم، شماره ۱: ۱ تا ۱۶.
داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۹) *علم و پژوهش و سیاست‌های پژوهشی*، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

رضاییان، علی (۱۳۸۴)، *تعامل انسان و سیستم اطلاعاتی*، تهران: سمت.
رودی، کمیل (۱۳۸۹)، *دانشگاه و مرجعیت علمی مبتنی بر تجربه دانشگاه امام صادق (ع)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).

روستا، احمد، داور ونوس و عبدالحمید ابراهیمی (۱۳۸۳)، *مدیریت بازاریابی*، تهران: سمت.
رهبر، فرهاد و حسن حسین‌زاده (بهار ۱۳۹۴)، «تبیین ارتباط اقتدار و مرجعیت علمی و فناوری ج.ا.ایران در جهان با اقتدار و امنیت ملی بر اساس مبانی انقلاب اسلامی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۱۲: ۱۶۲-۱۳۷.

رهبر، فرهاد و حسن حسین‌زاده (بهار ۱۳۹۵)، «نقش اقتدار و مرجعیت علمی در امنیت و منافع ملی با نگاه به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۴۴: ۱۸۸-۱۶۷.
ساجدی، اکبر، جواد نعمتی و سیدمحسن عرفانی‌راد (تابستان ۱۳۹۳)، «اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۳۷: ۱۴۰-۱۱۹.

فیاض، ایراندخت (۱۳۹۰)، «نقش و جایگاه نظام آموزشی در فرایند مرجعیت علمی کشور»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴*، تهران: پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت.

فیاض، ایراندخت و زهرا افشارکهن (۱۳۹۰)، «گذری بر بسترهای فرهنگی تحقق مرجعیت علمی»، *مجموعه مقالات همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴*، تهران: پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت.

قاضی‌نوری، سیدسپهر و سیدسروش قاضی‌نوری (۱۳۸۷)، «استخراج راهکارهای نظام ملی نوآوری در ایران با تأکید بر مطالعات تطبیقی کشورهای مختلف»، *سیاست علم و فناوری*، سال اول، شماره ۱.
گودرزی، غلامرضا و کمیل رودی (۱۳۹۰)، «تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور با رویکرد مفهوم‌سازی داده‌بنیاد»، *سیاست علم و فناوری*، سال سوم، شماره ۹۰: ۷۵-۱۴.

مروتی، مرضیه و محمدجواد مروتی (۱۳۸۹)، «بررسی وضعیت علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران از منظر مقام معظم رهبری: چالش‌ها و راه‌کارها»، *معرفت*، شماره ۱۵۳: ۲۲-۱۳.

منابع لاتین

Caporaso, J.A. (2000), "Changes in the Westphalian Order: Territory, Public Authority, and Sovereignty", *International Studies Review*, Vol.2, No.2, 1-28.

- Creswell, J. W. (2002), *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative (pp. 146-166)*, Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Edquist, C. (2005), "Systems of Innovation: Perspectives and Challenge", In J. Fagerberg, D. Mowery and R.R. Nelson (eds.), *The Oxford Handbook of Innovation*, Oxford University Press, Norfolk.
- Glaser, B. G. & Strauss, A. L. (1966), *Awareness of dying*, Transaction Publishers.
- Holbrook, J. A. (1997), *The use of national systems of innovation models to develop indicators of innovation and technological capacity*.
- Ivo de Vrijer (2012), "Scientific Authority in Decline? The Discussion about the HPV-Vaccination Viewed through the Eyes of the Stakeholders", *Master Thesis*, University of Twente.
- Machikita, T. & Ueki, Y. (2011), "The Impact of Face-to-face and Frequent Interactions on Innovation: Evidence from Upstream-Downstream Relations", *Institutions and Economies*, Vol.3, No.3: 519-548.
- Nelson, R. R. (Ed.). (1993), *National innovation systems: a comparative analysis*, Oxford university press.
- Simon, H. A. (1946), "The Proverbs of Administration", *Public Administration Review*, Vol.6, No.1, 53-67.
- Strauss, A. L. (1987), *Qualitative analysis for social scientists*, Cambridge University Press.
- Weber, M. (1947), *The Theory of Social and Economic Organization*, New York: Oxford University Press.

